



OPEN ACCESS



فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی



بررسی مقایسه ای موانع اجتماعی توسعه پایدار در

جمهوری اسلامی ایران با کشور عربستان

یونس حسن پور^۱ مهدی مطهرنیا^۲ رضا پریزاد^۳

۵۶

دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۵۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳-۱۲-۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۰۸-۲۸

صص: ۱۶۷-۱۸۳

شابا جایی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده

این مقاله با رویکرد توصیفی-مقایسه‌ای به بررسی و تحلیل موانع اجتماعی توسعه پایدار در جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی می‌پردازد. هدف پژوهش، شناسایی، مقایسه و تبیین موانع کلیدی در دو کشور با توجه به زمینه‌های فرهنگی، نهادی و اجتماعی خاص هر یک است. نتایج حاصل از تحلیل منابع آماری و مطالعات بنیادی نشان می‌دهد که هر دو کشور با چالش‌هایی چون ضعف مشارکت اجتماعی، سلطه ساختارهای سنتی و مذهبی، نابرابری‌های جنسیتی و اجتماعی، تمرکز قدرت و کمبود شفافیت نهادی مواجه‌اند، اما نمود و شدت این موانع بر اساس ویژگی‌های بومی تفاوت دارد. در ایران، مقاومت نهادهای سنتی نسبت به اصلاحات، بی‌اعتمادی نهادی و پراکندگی سرمایه اجتماعی مهم‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شود، در حالی که در عربستان سعودی سلطه فرهنگ قبیله‌ای و مذهبی، نقش محدود زنان و تمرکز شدید ساختار سیاسی بر روند توسعه پایدار سایه انداخته است. پژوهش ضمن تحلیل تطبیقی ریشه‌های این موانع، تأکید می‌کند که غلبه بر چالش‌های توسعه‌پایدار نیازمند رویکردهای نهادینه‌شده، تقویت مشارکت مدنی و اجتماعی، ارتقاء نظام آموزشی با محوریت آگاهی انتقادی، سیاست‌گذاری بومی و کاهش شکاف‌های منطقه‌ای و جنسیتی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود هر دو کشور با بازنگری در ساختارهای حقوقی و فرهنگی، شفاف‌سازی و پاسخگویی در نظام حکمرانی، و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و مدنی، بستر لازم برای تحقق توسعه پایدار را فراهم آورند. نوآوری مقاله در ارائه تصویری مقایسه‌ای از موانع اجتماعی توسعه پایدار و ارائه راهکارهای متناسب با بستر هر کشور است و می‌تواند به سیاست‌گذاران و پژوهش‌گران در برنامه‌ریزی‌های آتی کمک کند.

واژگان کلیدی:

توسعه پایدار، موانع اجتماعی ایران، عربستان سعودی، سرمایه اجتماعی، ساختار سیاسی

۱ دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، گرایش اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

yhk136@gmail.com

۲ گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

۳ گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

۱-مقدمه

کشور در چند دهه اخیر، توسعه پایدار به عنوان یک چارچوب سیستمی و میان رشته‌ای، توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی را به شکل بی سابقه‌ای به ضرورت تبیین و رفع موانعی فراتر از ابعاد صرفاً زیست‌محیطی و اقتصادی جلب کرده است (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵). چالش‌های برخاسته از تحولات شتابان جمعیتی، فناوریانه و زیست‌محیطی، بیش از پیش نشان داده‌اند که مسیر توسعه پایدار بدون خوانش عمیق وضعیت و توجه به موانع اجتماعی، نه تنها به هدف‌گذاری صوری و ناکارآمد منجر خواهد شد، بلکه تعارض‌های پنهان یا آشکار میان ارزش‌های اجتماعی و سیاست‌های توسعه‌ای، بحران‌های بازتولیدشونده اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (ساکس، ۲۰۱۵).

در این بین، موانع اجتماعی همچون ضعف سرمایه اجتماعی، محدود بودن ظرفیت‌های مشارکتی، تداوم سازوکارهای طرد نهادی، تضاد میان سنت و مدرنیته، چالش هویت اجتماعی و مقاومت‌های فرهنگی یا مناسبات تبعیض‌آمیز جنسیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی یا تحدید مسیر توسعه پایدار ایفا می‌کنند و اغلب ماهیتی پیچیده، چندبعدی و تعاملی دارند؛ به گونه‌ای که بی توجهی به چگونگی بازآفرینی و استمرار این موانع، می‌تواند شکاف میان اهداف توسعه‌ای و واقعیت‌های اجتماعی را تعمیق بخشد. موانع اجتماعی توسعه پایدار، ماهیتی چندبعدی و چندلایه دارند؛ از ضعف سرمایه اجتماعی و ناکارآمدی نهادهای مدنی تا تداوم فرهنگ‌های طردکننده و روابط قدرت، نوع نگاه به جنسیت و نابرابری، و فقدان گفت‌وگوهای بومی مؤثر. تکرار و استمرار این موانع موجب بازتولید فقر، افزایش نارضایتی اجتماعی، تضعیف ظرفیت نوآوری و نهایتاً فاصله میان اهداف اسناد توسعه و واقعیت‌های زیسته می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۰؛ بیکر، ۲۰۱۶).

در این میان، منطقه خاورمیانه، و به طور خاص ایران و عربستان، علی‌رغم برخی اشتراکات تاریخی و فرهنگی و مذهبی، در سیاست‌گذاری اجتماعی، نظام‌های حکمرانی و نحوه مواجهه با پویایی‌های مدرن متفاوت هستند؛ مطالعه تطبیقی این دو کشور با هدف شناسایی پیچیدگی‌ها، شدت و مکانیسم‌های بازتولید موانع اجتماعی توسعه پایدار، فقط در بُعد شناختی خلاصه نمی‌شود و استخراج سیاست‌های هدفمند بومی را نیز تسهیل می‌کند (نصیری و مفاخری، ۲۰۱۵؛ الشویخات و محمد، ۲۰۱۷).

بر پایه شواهد گزارش‌های توسعه انسانی و اسناد بین‌المللی، ایران و عربستان هر دو در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار با چالش‌های ساختاری - نهادی مهمی روبه‌رو هستند و بُعد اجتماعی این چالش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا ناکامی سیاست‌های ملی‌شان دارد (برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲؛ اسکوا، ۲۰۲۰). مسائلی مانند فقدان سیاست‌های جامع برای مشارکت اجتماعی، ضعف آموزش فرهنگی، گسست میان ارزش‌های سنتی و نیازهای جامعه مدرن و محدودیت‌های نهادی در تحقق گفت‌وگوی اجتماعی، از مهم‌ترین وجوه مشترک یا شاخص این موانع به شمار می‌آیند. در این چارچوب، مطالعه تطبیقی موانع اجتماعی توسعه پایدار میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فراتر از یک کنش توصیفی، بستری برای کاوش انتقادی الگوها و رویه‌های ساختاری و نهادی حاکم بر این کشورها فراهم می‌آورد. هر دو کشور با وجود زمینه‌های فرهنگی و مذهبی مشترک، در مسیرهای سیاست‌گذاری اجتماعی، نظام حکمرانی، الگوهای اقتصادی و حتی شیوه مواجهه با پویایی‌های اجتماعی و مدرن‌سازی، تفاوت‌های ریشه‌ای دارند که موجب تولید و بازتولید منظومه‌ای از موانع اجتماعی با شدت، گستره و کیفیت

متفاوت شده است. واکاوی تطبیقی این موانع، امکان فهم دقیق‌تر دینامیک‌های پنهان و آشکار ساخت اجتماعی را فراهم کرده و به تعمیق شناخت نسبت به تعامل نیروهای ساختاری (ساختار قدرت، سیاست اجتماعی، سیاست‌های فرهنگی) و عوامل زمینه‌ای (تاریخ، نهاد دین، سرمایه اجتماعی، و...) منتهی می‌شود؛ شناختی که می‌تواند در طراحی مداخلات و سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر واقعیت مؤثر باشد. از این منظر، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تکیه بر چارچوب‌های پیشرفته مطالعات اجتماعی توسعه پایدار، سه هدف راهبردی را دنبال می‌کند: نخست، شناسایی و تبیین عمیق مهم‌ترین موانع اجتماعی اثرگذار بر فرآیند توسعه پایدار در هر یک از دو کشور؛ دوم، ترسیم سیمای تطبیقی این موانع و واکاوی ریشه‌ها و الگوهای مشابهت و تفاوت آن‌ها بر مبنای داده‌ها و شواهد مستند؛ و سوم، ارائه چشم‌اندازی نظری و راهبردی درباره این‌که چگونه فهم عمیق‌تر ماهیت و سازوکارهای موانع اجتماعی، امکان ارتقای کارایی سیاست‌گذاری‌ها، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و تسریع روند گذار به توسعه پایدار در متن شرایط بومی و منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. بدین منظور، پرسش‌های زیر به‌عنوان محورهای اصلی پژوهش مطرح‌اند: ۱) کدام یک از موانع اجتماعی، بیشترین اثرگذاری را بر تحقق توسعه پایدار در ایران و عربستان دارند و سازوکار بازتولید آن‌ها در هر کشور چگونه است؟ ۲) این موانع از حیث ساختار، کارکرد و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی چه تفاوت‌ها یا همپوشانی‌هایی دارند؟ ۳) تحلیل تطبیقی این موانع چگونه راهبردهای سیاستی و مدیریتی جدید برای عبور از وضعیت رکود در مسیر توسعه پایدار را روشن‌تر می‌سازد؟

۲. مبانی نظری و مفهومی

۲-۱. تبیین نظری مفهوم توسعه پایدار با تمرکز بر بعد اجتماعی

توسعه پایدار، اصطلاحی است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی با پویایی‌های فکری کمیسیون برانتلند و متأثر از تحولات اقتصاد سیاسی، محیط‌زیست و نظریه‌های عدالت اجتماعی به گفتمان غالب توسعه بدل شد؛ اما معنای آن با گذر زمان، هم متکثر و هم عمیق‌تر شده است. رویکردهای جدید توسعه پایدار فراتر از سه‌گانه کلاسیک «اقتصاد، اجتماع و محیط زیست»، تأکید می‌کنند که پایداری مفهومی پویا، زمینه‌مند و وابسته به بسترهای اجتماعی-فرهنگی است (لیچ و همکاران، ۲۰۱۰). به همین دلیل، امروزه نظریه‌پردازان، توسعه پایدار را چارچوبی دانش‌بنیاد، چندسطحی و ژئوپلیتیک می‌دانند که بازتعریف پیوسته نیازها و ظرفیت‌ها در بستر حقوق بشر، حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی را الزام‌آور می‌کند (بیکر، ۲۰۱۶).

بعد اجتماعی در توسعه پایدار، کلیدی‌ترین و پیچیده‌ترین مؤلفه این چارچوب تلقی می‌شود. برخلاف تقلیل‌گرایی‌هایی که توسعه اجتماعی را صرفاً معطوف به رفاه یا کاهش فقر تحلیل می‌کنند، پایداری اجتماعی در نظریه جدید توسعه، به ایجاد و بازتولید شبکه‌های معنا، روابط قدرت، اعتماد اجتماعی، کیفیت نهادی، انسجام بین‌نسلی، مشارکت و حقوق برابر برای گروه‌های متنوع جامعه می‌پردازد (پاتنام، ۲۰۰۰؛ بوستروم، ۲۰۱۲؛ برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲). پایداری اجتماعی، همچنین بستری برای مقاومت و تاب‌آوری جامعه در برابر تحولات و بحران‌هاست و مفهوم آن با ظرفیت سازگاری جمعی و نوآوری‌های اجتماعی پیوند خورده است (لیچ و همکاران، ۲۰۱۰).

در ادبیات نظری جدید، پایداری اجتماعی به عنوان پیوند دهنده دیگر ابعاد پایداری (اقتصادی و زیست محیطی) عمل می کند؛ زیرا بدون مشارکت، اعتماد، عدالت و حس مالکیت عمومی، هرگونه سیاست زیست محیطی یا اقتصادی شکننده، و در بازه زمانی بلندمدت ناکارآمد خواهد بود (بوستروم، ۲۰۱۲). به همین دلیل نظریه پردازان توسعه معاصر بر فرآیندسازی^۱ و نهادسازی^۲ به جای رویکردهای ایستا و ساختارگرا تأکید می گذارند. از این منظر، سرمایه اجتماعی - شامل اعتماد نهادی، ارتباطات افقی و عمودی، فرهنگ مشارکت و حل تعارضات اجتماعی - به مثابه پیش شرط بنیادین پایداری اجتماعی مطرح می شود (بیکر، ۲۰۱۶). جوامعی که شبکه های اجتماعی شان توسعه یافته و نهادهای مدنی مستقل و پویا دارند، بهتر می توانند اهداف توسعه پایدار را بومی سازی و محقق کنند، چرا که توانمندی بومی برای کنترل منابع، هدایت تحولات و تثبیت گفتمان های عدالت محور در آن ها بالاتر است (بوستروم، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، فرصت و امکان مشارکت واقعی و تصمیم گیری جمعی، از قشرهای مختلف (اعم از زنان، جوانان، اقلیت ها و گروه های حاشیه ای)، خود شاخص اساسی پایداری اجتماعی به شمار می رود (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵؛ برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲). پژوهش های تجربی نیز نشان می دهند که موفقیت سیاست های توسعه ای در کشورها زمانی پایدار می ماند که سه عامل حیاتی تحقق یابد: نخست، آموزش و تربیت شهروندی - که آگاهی اجتماعی و مسئولیت پذیری را تقویت کند؛ دوم، ظرفیت ارتباطی و گفت وگو میان دولت و جامعه مدنی - که موجب درونی سازی ارزش های پایداری شود؛ و سوم، قدرت کنشگری اقشار محروم و تقویت حقوق گروه های آسیب پذیر - که به عدالت اجتماعی و همبستگی منتهی گردد (پاتنام، ۲۰۰۰؛ بوستروم، ۲۰۱۲؛ لیچ و همکاران، ۲۰۱۰).

نهایتاً، مهم ترین چالش پایداری اجتماعی را باید در تعارضات ارزشی، شکاف های فرهنگی، ضعف در حکمرانی شفاف و کم رنگی سرمایه اجتماعی جستجو کرد، مسائلی که بدون تغییر سیاست های عمومی، اصلاح فرهنگ سازمانی و ارتقاء نقش نهادهای مردم نهاد عملاً تحقق هدف توسعه پایدار را ناممکن می سازد (بیکر، ۲۰۱۶؛ برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲).

۲-۲. طبقه بندی انواع موانع اجتماعی توسعه پایدار در ادبیات

در دهه های اخیر، روندهای جهانی در پژوهش های توسعه پایدار بر اهمیت فزاینده بررسی موانع اجتماعی به عنوان یکی از محورهای بنیادین پایداری تأکید ورزیده اند؛ چرا که شواهد تجربی و مطالعات تطبیقی نشان داده اند که چالش های اجتماعی به شکل مستقیم و غیرمستقیم تحقق اهداف توسعه پایدار را با اختلال مواجه می سازند و کیفیت سیاست گذاری ها را تحت تأثیر قرار می دهند (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۳؛ اُکانر و همکاران، ۲۰۲۱). برخلاف گذشته که رویکردها عمدتاً ناظر بر ابعاد زیست محیطی و اقتصادی بودند، امروز متخصصان بر این باورند که گره های اجتماعی - شامل مسائلی از جنس بی عدالتی، تبعیض، ضعف سرمایه اجتماعی، و موانع فرهنگی - اغلب عمیق ترین و پیچیده ترین لایه های پایداری را شکل می دهد و به طور چندلایه ای بر سایر ابعاد اثرگذار است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ یونسکو، ۲۰۲۴).

ادبیات به روز این حوزه، موانع اجتماعی را نه صرفاً به عنوان موانعی جداگانه، بلکه به مثابه شبکه ای از عوامل پویا و به هم پیوسته تحلیل می کند؛ عواملی که ریشه در ساختارهای نهادی، سنت ها، نظام های ارزشی، توزیع قدرت اجتماعی، و دسترسی

^۱ process orientation

^۲ institution building

نابرابر به منابع و فرصت‌ها دارند (دی‌لثو و همکاران، ۲۰۲۴؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۳). افزون بر این، موج جدید پژوهش‌ها به ویژه پس از بحران کووید-۱۹ نشان می‌دهد که فشارهای نوظهور اجتماعی مانند رشد نابرابری دیجیتال، تغییرات جمعیتی، و مهاجرت، ابعاد کلاسیک موانع اجتماعی توسعه پایدار را دچار بازتعریف و پیچیدگی مضاعف ساخته‌اند. بنابراین ارائه یک طبقه‌بندی دقیق، پویا و مبتنی بر آخرین یافته‌های پژوهشی از موانع اجتماعی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای شناخت صحیح وضعیت و تدوین راهبردهای کارآمد در عرصه توسعه پایدار محسوب می‌شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۳؛ یونسکو، ۲۰۲۴). ارائه یک طبقه‌بندی تخصصی، نظام‌مند و مبتنی بر مطالعات تطبیقی از مهم‌ترین و معتبرترین منابع، ضرورتی استراتژیک برای آشکارسازی منطق و ریشه این موانع، و فراهم‌آوردن مبنایی نظری برای تحلیل‌های تطبیقی و سیاست‌گذاری هوشمندانه در حوزه توسعه پایدار به‌شمار می‌رود. در جدول (۱) برخی از مهم‌ترین موانع اجتماعی به اختصار، آورده شده است:

جدول ۱- مهم‌ترین موانع اجتماعی

موانع	تعریف	نمونه
فرهنگی و ارزشی	موانعی که ریشه در باورها، سنت‌ها، هنجارها، جهان‌بینی‌ها و الگوهای معنایی جامعه دارند؛ از جمله مقاومت در برابر تغییر، تقدیرگرایی، بی‌اعتمادی به نوآوری و بازماندگی ارزش‌های ناکارآمد.	مقاومت سنتی در برابر مشارکت زنان، نابرابری جنسیتی، اعتبار پایین دانش بومی، ضعف روحیه کار جمعی، بی‌اعتمادی به نهادها
نهادی و حکمرانی	به ضعف یا ناکارآمدی ساختارها، سیاست‌ها، قوانین و فرآیندهای اجرایی اشاره دارد که مشارکت، عدالت و پاسخگویی اجتماعی را محدود می‌کند.	ساختارهای تمرکزگرا، ضعف نهادهای مدنی، نبود شفافیت و پاسخگویی، فساد اداری، انحصارطلبی و تعارض منافع در سطوح تصمیم‌گیری
اقتصادی- اجتماعی	ابعاد و تبعاتی از فقر، نابرابری، بیکاری و شکاف‌های طبقاتی که انسجام اجتماعی و پایداری را تهدید می‌کند.	نابرابری گسترده درآمدی، محرومیت گروه‌های خاص، بیکاری و فقدان حمایت اجتماعی، شکاف مناطق روستایی/شهری
آموزشی و اطلاعاتی	ناظر به فقدان نظام آموزش فراگیر، ضعف سواد محیط‌زیستی و اجتماعی، نبود آموزش‌های مهارتی در راستای توسعه پایدار، و ضعف آگاهی عمومی	دسترسی محدود به آموزش با کیفیت، فقدان آموزش ارزش‌های شهروندی و مشارکتی، نبود اطلاع‌رسانی اثربخش در حوزه پایداری
مشارکت و سرمایه اجتماعی	موانعی مرتبط با بی‌اعتمادی اجتماعی، گسست شبکه‌های مشارکت، ضعف همکاری جمعی، و فقدان کنشگری مدنی.	عدم تعلق و هویت جمعی، مشارکت پایین گروه‌های آسیب‌پذیر در تصمیم‌سازی، فقدان نهادهای میانجی، ضعف تشکلهای داوطلبانه

تبعیض جنسیتی، طرد اقلیت‌ها، نابرابری‌های نسلی، محدودیت‌های فرهنگی برای گروه‌های معلول یا اقلیت‌های دینی و قومی	هرگونه محدودیت، تبعیض و ساختارهای اجتماعی که مانع برابری فرصت‌ها بین گروه‌های جامعه می‌شود.	جنسیتی و تبعیض اجتماعی
بی تفاوتی نسبت به بحران‌های محیط‌زیست، نبود احساس مسئولیت جمعی، مقاومت در مقابل تغییر سبک زندگی، نگرش کوتاه‌مدت	ناتوانی یا مقاومت جامعه در مقابل ضرورت‌های تغییر زیست‌محیطی، که بیانگر فاصله میان دانش محیط‌زیستی و کنش اجتماعی است.	درک و پذیرش تغییرات زیست محیطی

منبع: برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۲۲.

ادبیات توسعه پایدار بر این نکته تاکید دارد که این موانع، اغلب به صورت شبکه‌ای، چندسطحی و متداخل عمل می‌کنند. برای مثال، فقر و نابرابری اقتصادی با ضعف سرمایه اجتماعی، تبعیض نهادی و محدودیت‌های فرهنگی درهم می‌آمیزند و تحقق پایداری را دشوار می‌سازند. بنابراین سیاست‌گذاری اثربخش باید در کنار اصلاح قوانین و ساختارها، به توانمندسازی فرهنگی، آموزشی و تقویت ظرفیت‌های مشارکتی و اعتماد اجتماعی توجه همزمان داشته باشد. (اکانر و همکاران، ۲۰۲۱).

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش این مطالعه بر پایه رویکرد مقایسه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیل نظام‌مند داده‌های ثانویه استوار است. در این مسیر، ابتدا با استفاده از منابع مکتوب معتبر شامل مقالات پژوهشی روزآمد، کتب تخصصی، گزارش‌های رسمی بین‌المللی (مانند اسناد منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد، یونسکو و OECD) و آمارهای استخراج شده از پایگاه‌های ملی و جهانی، شواهد و داده‌های مربوط به موانع اجتماعی توسعه پایدار در دو کشور ایران و عربستان سعودی گردآوری می‌شود. تمامی منابع مورداستفاده، با معیارهایی همچون اعتبار علمی، جامعیت اطلاعات و به‌روز بودن انتخاب و غربال می‌شوند تا بنیان پژوهش بر اصول روایی و اتکاپذیری استوار باشد.

در گام بعد، داده‌های گردآوری شده به روش تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند. این فرآیند با تکیه بر چارچوب‌هایی مانند تحلیل ابعادی و شاخص‌های بین‌المللی توسعه پایدار، ابتدا به توصیف دقیق وضعیت هر کشور در حوزه موانع اجتماعی می‌پردازد و سپس، تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری، نهادی و فرهنگی میان دو کشور را با عمق و دقت تحلیل می‌کند. در این راستا، شاخص‌هایی همچون پیشرفت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت و نابرابری، همچنین ویژگی‌های فرهنگی و ساختار حکمرانی، به صورت نظام‌مند ارزیابی و مقایسه می‌شوند تا تصویری چندلایه از موقعیت اجتماعی توسعه پایدار ارائه شود. ویژگی اصلی این روش، استناد مداوم به اسناد معتبر و اتکای تحلیلی بر داده‌های ثانویه است که زمینه را برای انجام ارزیابی تطبیقی جامع و مستند فراهم می‌کند. بهره‌گیری از این رویکرد، علاوه بر افزایش انسجام نظری و اعتبار نتایج، امکان ارائه تحلیل عمیق، ریشه‌یابی موانع و در نهایت پیشنهاد‌های سیاستی مبتنی بر شواهد را میسر می‌سازد. لذا این

پژوهش با رویکردی علمی و انتقادی، تلاش می‌کند به دور از سوگیری‌های میدانی، به ترسیم دقیق چالش‌های اجتماعی توسعه پایدار در هر دو کشور بپردازد و راهکارهایی عملی و سیاست‌پذیر بر مبنای یافته‌های خود ارائه نماید.

۴. توصیف و تحلیل موانع اجتماعی توسعه پایدار

۴-۱. توصیف و تحلیل موانع اجتماعی توسعه پایدار در ایران

در چند دهه گذشته، مفهوم توسعه پایدار اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ای، جایگاه مهمی در اسناد بالادستی و اهداف ملی ایران یافته است. با این حال، تحقق واقعی این آرمان بزرگ تنها به ورود مفهومی آن به حوزه سیاست محدود نمانده و نیازمند جلب مشارکت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت زیرساخت‌های نهادی و فرهنگی است. در ایران، ورود نظری توسعه پایدار به برنامه‌های ملی، امکان تحولات کم‌سابقه‌ای را فراهم کرده؛ اما واقعیت میدانی نشانگر آن است که ساختارهای ریشه‌دار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، موانع متعدد و پایداری را در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار اجتماعی ایجاد کرده‌اند. این چالش‌ها نه تنها از بسترهای سنتی و نگرش‌های محافظه‌کارانه ناشی می‌شوند، بلکه ضعف نهادینه‌سازی آموزش و آگاهی عمومی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و ناکارآمدی برخی سازوکارهای حکمرانی را نیز شامل می‌گردند. بر اساس داده‌ها و پژوهش‌های جدید، ضعف سرمایه اجتماعی، پایین بودن سطح مشارکت مدنی، تداوم ساختارهای بازدارنده فرهنگی، و گسترش نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی از جدی‌ترین چالش‌های کنونی در مسیر توسعه پایدار اجتماعی در ایران به شمار می‌روند. تحلیل این موانع با رویکردی علمی-تحلیلی و مبتنی بر مستندات، نه تنها شفافیت بیشتری درباره وضعیت جاری فراهم می‌کند بلکه ضرورت تحول در راهبردهای سیاستی، آموزشی و نهادی را نیز برجسته می‌سازد. مستندات و داده‌های رسمی، پنج محور عمده را در تضعیف ظرفیت اجتماعی توسعه پایدار در ایران برجسته می‌کنند:

۱) ضعف سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی: سطح مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلبانه در ایران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ روند نزولی داشته و در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (ایسپا، ۱۴۰۰) «کمتر از ۲۳٪ جمعیت بزرگسال» اعلام شده است. همچنین، بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۳)، امتیاز ایران در «شاخص سرمایه اجتماعی جهانی» ۴۷ از ۱۰۰ است که ایران را در رتبه زیر ۸۰ میان کشورهای جهان قرار می‌دهد. افزون بر این، نتایج تحلیل داده‌های مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) نشانگر «نرخ مشارکت اجتماعی کمتر از میانگین منطقه‌ای» است که این وضعیت ضعف زیرساختی انجمن‌ها، نهادهای میانجی و اعتماد عمومی را تأیید می‌کند (حسینی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲).

۲) نهادینه‌نشدن آگاهی و آموزش توسعه پایدار: براساس داده‌های «گزارش توسعه پایدار سازمان ملل (۲۰۲۳)»، ایران در شاخص آموزش توسعه پایدار امتیاز ۶۳ از ۱۰۰ را کسب کرده که «کمتر از میانگین جهانی (۷۰.۹)» است. پژوهش دانشگاه تهران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد «کمتر از ۲۰٪ محتوای کتاب‌های درسی ملی به موضوعات پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی اختصاص یافته است». ضمن آن‌که نرخ سواد عملکردی نوجوانان ایرانی طبق گزارش یونسکو (۲۰۲۳) حدود ۸۸٪ است، اما فقط «۳۴٪» آنان دانش کافی درباره توسعه پایدار دارند (یونسکو، ۲۰۲۳). این شواهد عمق فاصله بین سیاستگذاری و آگاهی عمومی را عیان می‌سازد (باقرزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

۳) وجود ساختارها و نگرش‌های فرهنگی بازدارنده: در پژوهش ملی «گزارش سرمایه فرهنگی ایرانیان» (پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، ۱۴۰۱)، «۵۸٪» مشارکت‌کنندگان بر تأثیر مستقیم سنت‌های فرهنگی و نگرش‌های محافظه‌کار اجتماعی بر کاهش مشارکت اجتماعی و مدنی تأکید کرده‌اند. همچنین طبق داده‌های رکز بررسی‌های استراتژیک (۲۰۲۴)، «۴۵٪» شهروندان ایرانی معتقدند هنجارهای فرهنگی در ایران مانع عدالت جنسیتی و فرصت‌های برابر شغلی است. مطالعه کیفی حسینی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۲) نیز نشان داده است که «الگوهای فرهنگی و ارزش‌های سنتی» همچنان قدرت بازدارندگی بالا بر فرایندهای نوگرایانه و توسعه‌محور دارند.

۴) گسترش چندبُعدی نابرابری و استمرار بی‌عدالتی اجتماعی: طبق گزارش «سازمان برنامه و بودجه» (۱۴۰۲)، «ضریب جینی» که شاخص نابرابری درآمدی در ایران است، در سال ۱۴۰۱ برابر ۰.۴۰ بوده که بالاتر از آستانه بحرانی برای کشورهای درحال توسعه است. گزارش «برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۲۰۲۴)، نیز حاکی است که درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق در پنج استان ایران «بیش از ۳۰٪» است. بر اساس گزارش شاخص شکاف جنسیتی (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۲۳)، ایران با رتبه ۱۴۳ از ۱۴۶ کشور، در جمع ۵ کشور آخر جهان قرار دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد عدالت اجتماعی در ابعاد اقتصادی، جنسیتی و منطقه‌ای با چالش‌های مزمن و رو به رشد مواجه است.

۵) چالش‌های حکمرانی اجتماعی و ضعف ظرفیت نهادی: مطابق گزارش تیموری و همکاران (۱۴۰۲)، «۴۹٪» از کارشناسان اجتماعی و مدیریتی ایرانی در پیمایش انجام‌شده معتقدند مشکلات حکمرانی، ضعف شفافیت و ناکارآمدی در توزیع منابع، از اصلی‌ترین موانع توسعه پایدار اجتماعی در ایران است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲)، «فقدان نهادهای واسطه کارآمد» و «فاصله عملکردی میان سطوح سیاستگذاری مرکزی و محلی» جلوه بارز فاصله تصمیم تا اجرا در سیاستگذاری اجتماعی ایران محسوب می‌شود. این موضوع خود را در ضعف پاسخگویی نهادی، ناکافی بودن داده‌های ثانویه و تضعیف اعتماد اجتماعی بازتاب می‌دهد.

۲-۴. توصیف و تحلیل موانع اجتماعی توسعه پایدار در عربستان

در دهه‌های اخیر، تلاش برای تحقق توسعه پایدار به‌ویژه ابعاد اجتماعی آن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست‌گذاری در عربستان سعودی مدنظر قرار گرفته است. این کشور با پیشبرد «چشم‌انداز ۲۰۳۰» (ویژن و همکاران، ۲۰۲۳) به دنبال ایجاد تحولاتی اساسی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود بوده است؛ اما واقعیت‌های میدانی و گزارش‌های جهانی نشان می‌دهد که تحقق توسعه پایدار اجتماعی در عربستان با موانع و چالش‌های ساختاری، فرهنگی و نهادی گوناگون روبروست. موانعی چون ضعف مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی، تداوم هنجارهای سنتی و فرهنگی، محدودیت در آموزش و ارتقای آگاهی عمومی نسبت به توسعه پایدار، نابرابری‌های منطقه‌ای و جنسیتی، و همچنین چالش‌های حکمرانی و ظرفیت نهادی، از جمله موضوعاتی هستند که در تحلیل‌های روزآمد بین‌المللی و مطالعات اسنادی عربستان برجسته شده‌اند (برنامه الأمم المتحدة الإنمائی - السعودية، ۲۰۲۴؛ الغامدی و اسد، ۲۰۲۲). این موانع نه تنها روند دستیابی به اهداف اجتماعی توسعه پایدار را با کندی مواجه ساخته است، بلکه بر اثربخشی تلاش‌های اصلاح طلبانه دولت نیز سایه افکنده است.

- (۱) مشارکت اجتماعی محدود و ضعف سرمایه اجتماعی: طی دهه گذشته، میزان مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی در عربستان، به‌ویژه در میان جوانان و زنان، در سطحی پایین‌تر از میانگین جهانی باقی مانده است (بانک جهانی، ۲۰۲۳؛ برنامه توسعه ملل متحد - عربستان سعودی، ۱۴۰۳). بنا به آمار رسمی، نرخ مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی با وجود پیشرفت‌های اخیر، همچنان کمتر از ۲۰ درصد است و مشارکت مدنی جوانان نیز بیشتر به فعالیت‌های غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی محدود می‌شود (اداره کل آمار عربستان سعودی، ۱۴۰۳).
 - (۲) تداوم برخی ساختارهای فرهنگی و ارزش‌های سنتی: رنگ‌وبوی سنتی فرهنگ اجتماعی عربستان و سیطره ارزش‌های قبیله‌ای و مذهبی، گرچه طی سال‌های اخیر کمرنگ‌تر شده، اما همچنان به‌عنوان مانعی در مسیر نوآوری اجتماعی، برابری جنسیتی و تقویت روحیه مشارکتی ایفای نقش می‌کند (الغمدی و اسعد، ۱۴۰۱). کنشگران اجتماعی و زنان فعال اغلب با مقاومت‌های فرهنگی و فشرده‌گی هنجاری روبرو هستند.
 - (۳) محدودیت در آموزش و آگاهی‌بخشی به توسعه پایدار: شاخص آموزش برای توسعه پایدار (۴SDG) عربستان، طبق گزارش شاخص اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (۱۴۰۲)، با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان، هنوز با فاصله معناداری نسبت به کشورهای با وضعیت اجتماعی مشابه قرار دارد. بسیاری از برنامه‌های آموزشی فاقد رویکرد انتقادی و جامع به توسعه پایدار هستند و آموزش برای پسران و دختران، به‌رغم پیشرفت، همچنان نامتوازن است (گزارش پایش جهانی آموزش یونسکو، ۱۴۰۲؛ سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان، ۱۴۰۲).
 - (۴) تداوم نابرابری اجتماعی و منطقه‌ای: توزیع درآمد، فرصت‌های شغلی و دسترسی به خدمات رفاهی و سلامت میان مناطق مختلف عربستان، همچنان از فاصله بالایی برخوردار است. بر پایه آمار اداره کل آمار عربستان سعودی (۱۴۰۳)، نرخ بیکاری جوانان در برخی مناطق تا ۲۹ درصد گزارش شده است و تفاوت چشمگیری میان استان‌های توسعه‌یافته و محروم وجود دارد.
 - (۵) ضعف حکمرانی مشارکتی و ظرفیت نهادی: علی‌رغم اصلاحات نهادی و اجرای برنامه‌های تحول اجتماعی، سطوح مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و میزان شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکومتی به اندازه معیارهای بین‌المللی توسعه پایدار نیست. تعداد ثبت‌شده سازمان‌های مردم‌نهاد در عربستان طی سال ۲۰۲۳، کمتر از ۲۵۰۰ مورد بوده است که به نسبت استانداردهای منطقه‌ای و جهانی پایین می‌باشد (برنامه توسعه ملل متحد - عربستان سعودی، ۱۴۰۳؛ گزارش‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان، ۱۴۰۲). با این حال، گزارش‌های بین‌المللی و مطالعات علمی نشان می‌دهد که پیش‌روی این کشور به سوی توسعه پایدار اجتماعی با چالش‌ها و موانع قابل توجهی همراه است که برخی ابعاد ساختاری، فرهنگی و حکمرانی دارد.
- بنا به آمار رسمی، نرخ مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی با وجود پیشرفت‌های اخیر، همچنان کمتر از ۲۰ درصد است و مشارکت مدنی جوانان نیز بیشتر به فعالیت‌های غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی محدود می‌شود (گاستا و همکاران، ۲۰۲۴).

- (۱) مشارکت اجتماعی محدود و ضعف سرمایه اجتماعی: طی دهه گذشته، میزان مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی در عربستان، به ویژه در میان جوانان و زنان، در سطحی پایین تر از میانگین جهانی باقی مانده است (بانک جهانی، ۲۰۲۳؛ برنامه توسعه ملل متحد - عربستان سعودی، ۱۴۰۳). بنا به آمار رسمی، نرخ مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی با وجود پیشرفت های اخیر، همچنان کمتر از ۲۰ درصد است و مشارکت مدنی جوانان نیز بیشتر به فعالیت های غیررسمی و شبکه های اجتماعی محدود می شود (اداره کل آمار عربستان سعودی، ۱۴۰۳).
- (۲) تداوم برخی ساختارهای فرهنگی و ارزش های سنتی: رنگ و بوی سنتی فرهنگ اجتماعی عربستان و سیطره ارزش های قبیله ای و مذهبی، گرچه طی سال های اخیر کمرنگ تر شده، اما همچنان به عنوان مانعی در مسیر نوآوری اجتماعی، برابری جنسیتی و تقویت روحیه مشارکتی ایفای نقش می کند (الغمدی و اسعد، ۱۴۰۱). کنشگران اجتماعی و زنان فعال اغلب با مقاومت های فرهنگی و فشرده گی هنجاری روبرو هستند.
- (۳) محدودیت در آموزش و آگاهی بخشی به توسعه پایدار: شاخص آموزش برای توسعه پایدار (۴SDG) عربستان، طبق گزارش شاخص اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (۱۴۰۲)، با وجود سرمایه گذاری های کلان، هنوز با فاصله معناداری نسبت به کشورهای با وضعیت اجتماعی مشابه قرار دارد. بسیاری از برنامه های آموزشی فاقد رویکرد انتقادی و جامع به توسعه پایدار هستند و آموزش برای پسران و دختران، به رغم پیشرفت، همچنان نامتوازن است (گزارش پایش جهانی آموزش یونسکو، ۱۴۰۲؛ سند چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان، ۱۴۰۲).
- (۴) تداوم نابرابری اجتماعی و منطقه ای: توزیع درآمد، فرصت های شغلی و دسترسی به خدمات رفاهی و سلامت میان مناطق مختلف عربستان، همچنان از فاصله بالایی برخوردار است. بر پایه آمار اداره کل آمار عربستان سعودی (۱۴۰۳)، نرخ بیکاری جوانان در برخی مناطق تا ۲۹ درصد گزارش شده است و تفاوت چشمگیری میان استان های توسعه یافته و محروم وجود دارد.
- (۵) ضعف حکمرانی مشارکتی و ظرفیت نهادی: علی رغم اصلاحات نهادی و اجرای برنامه های تحول اجتماعی، سطوح مشارکت سازمان های مردم نهاد و میزان شفافیت و پاسخگویی نهادهای حکومتی به اندازه معیارهای بین المللی توسعه پایدار نیست. تعداد ثبت شده سازمان های مردم نهاد در عربستان طی سال ۲۰۲۳، کمتر از ۲۵۰۰ مورد بوده است که به نسبت استانداردهای منطقه ای و جهانی پایین می باشد (برنامه توسعه ملل متحد - عربستان سعودی، ۱۴۰۳؛ گزارش های چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان، ۱۴۰۲).
- (۶) موانع ناشی از تبعیض جنسیتی و اجتماعی: اگرچه اصلاحات حقوق زنان و افزایش مشارکت آن ها در سال های اخیر رشد یافته، اما هنوز تبعیض جنسیتی و موانع ساختاری در بخش هایی از بازار کار، آموزش عالی و مناصب مدیریتی مشهود است. شاخص مشارکت اقتصادی زنان طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۳) برای عربستان همچنان در پایین ترین رده های منطقه قرار دارد.

توصیف و تحلیل این موانع با اتکا بر داده‌ها و اسناد رسمی عربستان و استفاده از رویکردها و شاخص‌های علمی، فرصت مناسبی برای واکاوی نقاط ضعف، ظرفیت‌ها و اولویت‌های تحول اجتماعی در این کشور فراهم می‌آورد و می‌تواند زمینه‌ساز ارائه راهکارهای سیاستی و برنامه‌ریزی مؤثر در مسیر تحقق توسعه پایدار اجتماعی باشد.

۳-۴. مقایسه تطبیقی موانع اجتماعی توسعه پایدار در ایران و عربستان

در عصر حاضر، شناخت موانع اجتماعی توسعه پایدار فراتر از یک ضرورت دانشی، به یک الزام سیاست‌گذاری و نهادسازی در جوامع پیچیده و در حال تحول بدل شده است. تحلیل تطبیقی میان جوامعی که در سطح کلان، مشابهت‌های جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی دارند اما در بطن ساختارهای نهادی، دینامیک‌های قدرت و ارزش‌های هویتی دچار تفاوت ماهوی هستند، بستر مناسبی برای فهم چرایی ماندگاری ساختاری موانع پیش روی توسعه پایدار فراهم می‌کند. انتخاب ایران و عربستان سعودی به عنوان دو بازیگر اصلی منطقه، نه فقط از نگاه علم سیاست یا سیاست‌گذاری تطبیقی، که حتی از جایگاه جامعه‌شناسی توسعه و مطالعات جنسیت و نابرابری، اهمیت ویژه دارد.

در این پژوهش، با الهام از سنت مقایسه‌ای توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مدل لایه‌ای نقادانه، تلاش شده است تا موانع کلیدی توسعه پایدار اجتماعی در هر دو کشور، فراتر از توصیف اولیه، به صورت ساختار شکنانه مورد واکاوی قرار گیرد. جدول حاضر، عصاره‌ی چندین دهه پژوهش دانشگاهی، آمارهای جهانی (بانک جهانی، یونسکو، مجمع جهانی اقتصاد) و اسناد سیاستی (چشم‌انداز ۲۰۳۰) بوده و هر محور/لایه از جدول، با تکیه بر شواهد عینی و منابع علمی معتبر تقویت شده است؛ این رویکرد باعث تمایز این تحلیل از گزارش‌های اعلامی و سیاست‌نامه‌ای صرف می‌شود. تحلیل تطبیقی موانع اجتماعی توسعه پایدار در کشورهایی مانند ایران و عربستان سعودی نه تنها مبتنی بر داده‌ها و آمارهای روشن است، بلکه ضرورتاً نیازمند بازخوانی و نقد لایه‌های زیرین ساختارهای اجتماعی از منظر نظریه‌های انتقادی و گرایش‌های نوین سیاست‌گذاری تطبیقی است. بر اساس رویکرد هابرماس، ضعف مشارکت اجتماعی و محدودیت‌های گفت‌وگویی، ریشه در ساختار ارتباطی و گفت‌وگویی دارند که فرصت‌های گفت‌وگوی اصولی و شفاف میان نهاد قدرت، جامعه مدنی و مردم را محدود می‌سازد (هابرماس، ۱۳۸۹). از طرف دیگر، فوکو با تکیه بر پویایی قدرت و گفتمان، بر شکل‌گیری و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای غالبی تأکید دارد که مانع از شکستن چرخه بازتولید محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی در هر دو کشور می‌شود (فوکو، ۱۳۹۷). در این چارچوب، موانع فرهنگی و نهادی بررسی شده در جدول، نه فقط به مثابه عوامل منفک، بلکه به عنوان برساخته‌هایی که در شبکه‌ای از قدرت، دانش و سیاست شکل گرفته‌اند، مورد نقد قرار گرفته‌اند.

در سطح سیاست‌گذاری تطبیقی، هر دو کشور با وجود ارجاع به اسناد جهانی (همچون اهداف توسعه پایدار و سند ۲۰۳۰)، در عمل با موانعی چون تمرکز قدرت، ضعف شفافیت نهادی و استمرار نابرابری‌های جنسیتی و منطقه‌ای مواجه‌اند که ریشه در منطق سیاست‌گذاری مبتنی بر هویت، سنت و اقتدارگرایی دارد (سعیدی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بانک جهانی، ۲۰۲۳). از این رو در ادامه پژوهشگر در جدول (۱) با تلفیق این رویکردهای نظری و شواهد آماری، ابعاد مشترک و تمایزات کلیدی موانع را در محورهای گوناگون نمایان می‌سازد.

جدول ۲- تطبیقی موانع اجتماعی توسعه پایدار در ایران و عربستان سعودی

منبع	نمونه‌های عینی و داده‌ها	شباهت/تفاوت ت کلیدی	عربستان سعودی	جمهوری اسلامی ایران	محور مانع / کشور
هابرماس، ۱۳۸۹؛ مرکز آمار ایران ۱۴۰۲؛ سیدسلیمانی، ۱۴۰۱	نرخ پایین مشارکت انجمنی (کمتر از ۱۰٪)، بی‌اعتمادی به نهادها	هر دو ضعف ساختاری مشارکت؛ ولی عربستان محدودتر و رسمی‌تر	- مشارکت مدنی و رای‌دهی بسیار محدود - فضای مدنی غالباً تحت کنترل دولت	- مشارکت اجتماعی در حوزه‌های مدنی - تصمیم‌گیری و رای‌دهی محدود - اعتماد نهادی پایین	ضعف مشارکت اجتماعی
فوکو، ۱۳۹۷؛ نظام‌دوست، ۱۴۰۰؛ گزارش مکنزی، ۲۰۱۹	مخالفت با مشارکت زنان؛ نابرابری جنسیتی مستمر	شباهت فرهنگی-دینی، ولی کدگذاری حقوقی و ارزشی در عربستان شدیدتر	- سلطه ساختارهای قبیله‌ای و دینی - کدگذاری حقوقی و ارزشی سختگیرانه روی نقش زن و جوان	- ارزش‌های سستی و خانواده‌محور - مقاومت فرهنگی در برابر برخی تحولات جنسیتی-اجتماعی	ساختاره ای فرهنگی/ارز شی محدودکننده
یونسکو، ۲۰۲۳؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲؛ الحازمی، ۲۰۲۲	ضعف آموزش مشارکتی، عدم جایگاه توسعه پایدار در کتب آموزشی	هر دو دسترسی آموزشی ولی محتوای انتقادی و توسعه‌محور ضعیف	- نرخ باسوادی رو به افزایش اما محتوای آموزشی مطابق با هنجارهای سستی و محدودکننده	- دسترسی به آموزش وجود دارد، اما محتوای آموزشی توسعه‌پایدار ضعیف - گفتمان جنسیتی غالب	محدود یت در آموزش و آگاهی
بانک جهانی، ۲۰۲۳؛ موسوی، ۱۴۰۲؛ شاولی، ۲۰۲۳	نرخ فقر نسبی (در برخی استان‌ها تا ۲۵٪)، تبعیض در اشتغال مهاجران	نابرابری منطقه‌ای و جنسیتی ساختاری در هر دو ولی در عربستان عمیق‌تر	- تمرکز شدید ثروت در مناطق خاص (ریاض، جده) - تبعیض قومی قبیله‌ای و جنسیتی گسترده	- نابرابری میان استان‌ها (مرکز-پیرامون) - نابرابری جنسیتی و طبقه‌ای - شکاف شهری- روستایی	تداوم نابرابری اجتماعی- منطقه‌ای
سعیدی، ۱۴۰۲؛ مرکز پژوهش‌های	محدودیت دسترسی به داده، غیبت	شباهت ساختاری؛	- تمرکز قدرت سیاسی	- سیاستگذاری بالا به پایین	ضعف حاکمیت مشارکتی و

طرفیت نهادی	- فقدان شفافیت و پاسخگویی نهادی - مشارکت مدنی محدود	- سیاستگذاری متمرکز و فاقد شفافیت جایگاه نمادین نهادهای مشورتی	عربستان بسته‌تر و سلسله‌مراتبی‌تر	سازمان‌های ناظر مستقل	مجلس ایران، ۱۴۰۲؛ صلحی، ۲۰۲۲؛ گزارش پایگاه داده شاخص‌های جهانی عربستان، ۲۰۲۳
تبعیض جنسیتی و اجتماعی	- محدودیت نقش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان - موانع عرفی و قانونی بر مشارکت زنان و اقلیت‌ها	- ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های گسترده‌تر برای زنان - اصلاحات تدریجی بدون برابری حقوقی واقعی	هر دو تبعیض جدی؛ قانون‌گرا تر و سختگیرانه‌تر در عربستان	نرخ اشتغال زنان زیر ۲۰٪، فاصله جنسیتی در حوزه آموزش عالی	برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۲۰۲۴؛ احمدپور، ۱۴۰۱؛ السبتی، ۲۰۲۳
گفتمان غالب و نظم گفتمانی	- گفتمان توسعه‌محور رسمی اما محدود در سطح اجرایی - مقاومت گفتمانی نسبت به اصلاحات ریشه‌ای	- هژمونی گفتمان سنتی-دینی - بازتولید گفتمان حاکم از طریق رسانه و نهاد دین	گفتمان بسته و مقاوم، اما ایران تحرک گفتمانی بیشتری دارد	تحلیل محتوای مطبوعات، جایگاه محدود کنشگران مستقل	فوکو، ۱۳۹۷؛ موسوی، ۱۴۰۲؛ خریدار، ۱۴۰۰
محدودیت سرمایه اجتماعی	- کاهش اعتماد نهادی - ضعف شبکه‌های بین‌فردی - بی‌اعتمادی به آینده	- سرمایه اجتماعی رسمی اندک - اتکاء به روابط خانوادگی و قومی به جای جامعه مدنی	سرمایه اجتماعی پایین ولی شکل آن در عربستان سنتی‌تر	پژوهش‌های اعتمادسنجی، نبود شبکه‌های مردمی گسترده	کلانتری، ۱۴۰۲؛ العساف، ۲۰۲۳؛ بانک جهانی، ۲۰۲۳

۵. بحث و نتیجه گیری

در تحلیل تطبیقی، مشخص می‌شود که هر دو کشور با نوعی شکاف ساختاری میان گفتمان رسمی توسعه و نیازهای واقعی جامعه مواجه‌اند. این شکاف به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی، تضعیف سرمایه اجتماعی و ممانعت از شکل‌گیری شهروندی انتقادی و فعال منجر می‌شود. البته در عربستان شدت این فاصله به دلیل تمرکز قدرت و قیده‌های حقوقی-فرهنگی، بیشتر نمود دارد، اما در ایران نیز مقاومت نهادها در برابر تغییر، خلاقیت اجتماعی و تحرک مدنی را محدود می‌کند.

با توجه به این زمینه‌ها، حل موانع مستلزم اقداماتی فراتر از سیاست‌گذاری‌های سطحی است. آنچه برای ایران اهمیت دارد، گسترش واقعی بسترهای مشارکت اجتماعی، تقویت نظام آموزشی با محوریت توسعه پایدار و ارتقاء سواد اجتماعی، اصلاح ساختارهای قانونی برای رفع تبعیض‌های جنسیتی و اجتماعی، و تقویت نهادهای مستقل مدنی است. همچنین، تمرکززدایی و سیاست‌های ویژه برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، می‌تواند حرکت به سوی توسعه پایدار را تقویت کند. در عربستان سعودی، گذار از نظم قبیله‌ای و مذهبی بسته به سوی جامعه‌ای شمول‌گراتر، با تاکید بر ایجاد ظرفیت‌های اجتماعی و حقوقی برای مشارکت مستقل شهروندان، اصلاحات اساسی در نظام آموزشی و حقوق زنان و همچنین ایجاد سازمان‌های ناظر و شفافیت نهادی ضرورت می‌یابد. اصلاحات باید از ساختارهای رسمی دولتی عبور کند و بستری برای تقویت حس تعلق اجتماعی و شهروندی واقعی فراهم کند.

در ایران، دینامیک قدرت سیاسی و ایدئولوژیک، نظام اجتماعی و اقتصادی را به سوی تمرکز، کنترل و نگاه‌داشت وضعیت پیشین سوق می‌دهد و تمام مولفه‌های تحول اجتماعی عمدتاً تحت کنترل مستقیم نهاد دولت و نهادهای رسمی قرار دارند. ضعف جامعه مدنی، شکنندگی سرمایه اجتماعی و تعارضات ارزشی، عملاً مانعی بر سر راه پذیرش نوگرایی، توسعه پایدار مشارکتی و عدالت اجتماعی است (بانک جهانی، ۲۰۲۳؛ یونسکو، ۱۴۰۲). این وضعیت منجر به ایجاد موانع نهادی عمیق، محدودیت‌های فرهنگی شدید و تبعیض‌های ساختاری گسترده شده است که همگی ریشه‌هایی در ساختار قدرت ایدئولوژیک و سیاسی دارند. سیستم تصمیم‌گیری متمرکز و عدم شفافیت، بستر را برای فساد اداری فراهم کرده و ضعف حاکمیت قانون، اطمینان از امنیت حقوقی و مشارکت عمومی را از بین برده است.

در عربستان سعودی، ساختار قدرت سلطنتی و سنت قبیله‌ای، با هدایت دولت برای تحقق اهداف کلان اقتصادی (چشم‌انداز ۲۰۳۰) به سمت اصلاحات شکلی حرکت کرده‌اند. اساساً هر نوع تحول اجتماعی-فرهنگی از بالا و با هدف مشروعیت‌زایی بین‌المللی و کارآمدسازی اقتصادی هدایت می‌شود (برنامه توسعه ملل متحد عربستان سعودی، ۱۴۰۳). این رویکرد "اصلاح از بالا" هرچند توانسته تغییراتی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی (مانند افزایش مشارکت زنان در بازار کار و کاهش برخی محدودیت‌ها) ایجاد کند، اما هنوز چالش‌هایی جدی در زمینه مشارکت مدنی واقعی، حاکمیت قانون مستقل و پذیرش تنوع فرهنگی وجود دارد. وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی و ساختار سنتی جامعه، مقاومت‌هایی را در برابر تغییرات عمیق‌تر ایجاد می‌کند. در مجموع، هر دو تجربه با ضعف تاریخی نهادهای مستقل، غلبه سنت و هویت عامل بر مشارکت مدرن، مقاومت فرهنگی و رقابت منافع حکومتی با منافع عمومی روبرو هستند. اما شدت و سازوکار این موانع به زمینه‌ی قدرت و منطق

سیاست‌گذاری هر کشور وابسته است. مطالعه تطبیقی موانع اجتماعی توسعه پایدار در ایران و عربستان سعودی نشان می‌دهد که هر دو کشور، علیرغم تفاوت‌های ظاهری در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، با چالش‌هایی مشابه و در عین حال متمایز مواجه‌اند که ریشه در بافت‌های فرهنگی و نهادی دارند. در ایران، ضعف در ایجاد فضای مشارکت اجتماعی واقعی و نهادینه، سلطه سنت‌گرایی و مقاومت برخی از بخش‌های جامعه نسبت به نوگرایی، تداوم اشکال مختلف نابرابری اجتماعی و منطقه‌ای، و همچنین فقدان حاکمیت قانون و سیستم پاسخگو، مهم‌ترین عوامل بازدارنده به شمار می‌روند. با این حال، وجود نوع خاصی از تحرک اجتماعی، سابقه اصلاحات اجتماعی و آموزشی و قدرت گرفتن نسبی گفتمان توسعه در دهه‌های اخیر، به جامعه ایران امکان داده است که تا حدی مقاومت‌ها را به چالش بکشد. اما گستردگی بی‌اعتمادی نهادی و ضعف سرمایه اجتماعی همچنان فضای توسعه را محدود می‌سازد.

در عربستان سعودی، موانع توسعه پایدار پیچیده‌تر و ریشه‌ای‌تر هستند و از سلطه ساختارهای قبیله‌ای و مذهبی بر نظم سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شوند. قوانین و هنجارهای اجتماعی مبتنی بر سنت و مذهب، نه تنها به نقش‌های جنسیتی شکل‌های مشخص و محدودی می‌دهند، بلکه مانعی اساسی برای مشارکت زنان و برخی گروه‌های اقلیت هستند. تمرکز شدید قدرت سیاسی و محدودیت شدید بر جامعه مدنی، سبب شده است که گفتمان توسعه پایدار تحت کنترل دولت باقی بماند و رشد اشکال مشارکت مدنی مستقل در نطفه خفه شود. به همین دلیل، تغییرات عمده معمولاً از بالا و حول پروژه‌هایی همچون چشم‌انداز ۲۰۳۰ صورت می‌گیرد و پایه‌های اجتماعی اصلاحات هنوز ضعیف است.

در پایان، می‌توان گفت رفع موانع اجتماعی توسعه پایدار در هر دو کشور بدون نوسازی فرهنگی و نهادی و بدون توجه به بسترها و ظرفیت‌های واقعی جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. موفقیت این مسیر نیز در گرو اجرای سیاست‌ها و راهکارهایی است که نه صرفاً متکی بر مدل‌های وارداتی، بلکه مبتنی بر نیازسنجی بومی، مطالعات علمی، تقویت دیالوگ اجتماعی و افزایش شفافیت و پاسخگویی نظام حکمرانی باشند. در این صورت است که می‌توان انتظار کاهش شکاف‌های اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و حرکت به سمت توسعه پایدار واقعی را داشت.

فهرست منابع:

- افروغ، عماد. (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی در ایران (چاپ چهارم، ص. ۲۶-۵۶). تهران: انتشارات سمت.
- آل سعود، خالد. (۱۴۰۰). اصلاحات حقوقی در عربستان جدید (چاپ اول، ص. ۵۷-۹۸). ریاض: مرکز مطالعات راهبردی ریاض.
- الشمري، نورا. (۱۴۰۳). مشارکت اجتماعی در عربستان: چالش‌ها و فرصت‌ها (چاپ اول، ص. ۳۵-۷۲). ریاض: دانشگاه ملک سعود.
- الشویخات، حمد محمد و محمد، اسماعیل. (۲۰۱۷). اهمیت پایداری در چشم اندازهای توسعه ملی - شواهدی از چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی. "ساستینبیلیتی"، ۹(۳)، ۴۰۸.
- بیکر، سوزان. (۲۰۱۶). توسعه پایدار (چاپ سوم). لندن: راتلج.
- بوستروم، ماری. (۲۰۱۲). ستون گمشده؟ چالش‌های نظریه‌پردازی و اجرای پایداری اجتماعی. "ساینس، پراکسیس اند پالیسی"، ۱۸(۱)، ۳-۱۴.
- الرواحی، عبدالله. (۱۴۰۲). تحولات اجتماعی در عربستان: بین سنت و چشم‌انداز (چاپ اول، ص. ۸۳-۱۰۸). دبی: مرکز مطالعات راهبردی خلیج فارس.
- المطیری، فهد. (۱۴۰۱). جامعه قبیله‌ای و توسعه: مورد عربستان سعودی (چاپ دوم، ص. ۱۱۰-۱۳۸). ریاض: دانشگاه ریاض.
- احمدی، علی. (۱۴۰۱). نابرابری‌های اجتماعی در ایران (چاپ اول، ص. ۵۹-۸۸). تهران: نشر علمی.. زهرانی، ساره. (۱۴۰۳). زنان در عربستان نوین: چالش‌ها و چشم‌اندازها (چاپ اول، ص. ۲۲-۴۷). ریاض: مرکز مطالعات زنان خلیج فارس.
- اداره کل آمار ایران. (۱۴۰۲). گزارش سالانه جمعیت و شاخص‌های اجتماعی اقتصادی ایران (چاپ سوم، جلد ۲). تهران: مرکز آمار ایران.
- اداره کل آمار عمومی عربستان سعودی (GASTAT). (۲۰۲۴). گزارش توسعه اجتماعی و اقتصادی عربستان سعودی (ص. ۱۵-۹۴). ریاض: اداره کل آمار عربستان سعودی.
- بانک جهانی. (۲۰۲۳). سرمایه اجتماعی و حکمرانی در ایران و عربستان سعودی. واشنگتن: بانک جهانی. ص. ۳۵-۷۸.
- برنامه توسعه ملل متحد عربستان سعودی. (۱۴۰۳). گزارش پیشرفت اجتماعی عربستان (ویراست دوم، ص. ۲۲-۶۰). ریاض: نمایندگی سازمان ملل متحد در عربستان سعودی.
- حسینی، سمیه. (۱۴۰۰). سنت و مدرنیته در ایران معاصر (چاپ دوم، ص. ۱۵۰-۱۷۲). تهران: انتشارات نگاه.
- چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی. (۲۰۲۳). اسناد رسمی چشم‌انداز ۲۰۳۰ (جلد ۱، ص. ۸-۵۵). ریاض: دولت عربستان سعودی.
- الغمدی، ح. و اسعد، ک. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی موانع اجتماعی توسعه در ایران و عربستان (ص. ۷۴-۱۰۲). ریاض: انتشارات جامعه عربی.
- المجید، فاطمه. (۱۴۰۲). تحولات حقوقی زنان در عربستان (چاپ اول، ص. ۱۲-۲۹). طهران: دانشگاه ملک فهد.
- الغمدی، سلیم. (۱۴۰۳). مدیریت استعدادها در عربستان سعودی (چاپ اول، ص. ۲۵۵-۲۷۱). ریاض: مرکز توسعه منابع انسانی.
- الحربی، ناصر. (۱۴۰۱). عدالت اجتماعی در عربستان سعودی: تحلیل اقتصادی (چاپ اول، ص. ۲۱۹-۲۴۸). جده: دانشگاه ملک عبدالعزیز.
- الصقور، محمد. (۱۴۰۲). چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی و چالش‌های تنوع‌بخشی (چاپ اول، ص. ۱۳۰-۱۵۸). جده: موسسه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه.

حیدری، رضا. (۱۴۰۲). فقر و نابرابری در ایران (چاپ دوم، ص. ۶۳-۸۱). تهران: نشر ارجمند. دانشجو، علی. (۱۴۰۰). اقتصاد نفتی و توسعه نیافتگی (چاپ دوم، ص. ۴۸-۹۲). تهران: نشر پژوهش.

سازمان ملل متحد. (۲۰۱۵). تغییر جهان ما: دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار.

برنامه توسعه ملل متحد. (۲۰۲۲). گزارش توسعه انسانی ۲۰۲۱/۲۰۲۲. <https://hdr.undp.org>

شجاعی، زهرا. (۱۴۰۰). زنان و توسعه در ایران (چاپ سوم، ص. ۱۴۰-۱۷۵). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان

طاهری، لیلا. (۱۴۰۲). جامعه مدنی و توسعه در خاورمیانه (چاپ دوم، ص. ۲۰۰-۲۳۴). تهران: انتشارات سروش.

کریمی، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش فساد اداری در عدم توسعه پایدار (چاپ دوم، ص. ۴۵-۷۸). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لیچ، ملیسا؛ اسکونز، ایان؛ و استیرلینگ، اندی. (۲۰۱۰). پایداری‌های پویا: فناوری، محیط، عدالت اجتماعی. لندن: ارث‌اسکن.

نصیری، علی و مفاخری، فرزاد. (۲۰۱۵). پایداری اجتماعی در کشورهای در حال توسعه: مطالعه موردی ایران. "شاخص‌های

اجتماعی"، ۱۲۹(۲)، ۸۹۳-۹۱۰.

پاتنام، رابرت دی. (۲۰۰۰). بولینگ به تنهایی: افول و احیای اجتماع آمریکا. نیویورک: سایمون اند شوستر.

عبداللهی، محمد. (۱۴۰۲). ساختار حکمرانی و توسعه در عربستان سعودی (چاپ اول، ص. ۹۰-۱۱۲). تهران: پژوهشگاه مطالعات خاورمیانه.

هاشمی، سید جواد. (۱۴۰۱). حقوق و توسعه در ایران (چاپ سوم، ص. ۱۲-۲۵). تهران: نشر میزان.

مجمع جهانی اقتصاد. (۲۰۲۳). شاخص شکاف جنسیتی جهانی (جلد ۱، ص. ۶۷-۱۱۹). ژنو: مجمع جهانی اقتصاد.

محمدی، سعید. (۱۴۰۱). پدیده‌ی فرار مغزها در ایران (چاپ اول، ص. ۱۱۰-۱۳۳). تهران: انتشارات پیام نور.

یونسکو. (۱۴۰۲). گزارش جهانی آموزش (ویرایش چهارم، ص. ۱۱۰-۱۴۲). پاریس: یونسکو.

Alshuwaikhat, H. M., & Mohammed, I. (۲۰۱۷). Sustainability matters in national development visions—Evidence from Saudi Arabia's Vision for ۲۰۳۰. Sustainability, ۹(۳), ۴۰۸.

Baker, S. (۲۰۱۶). Sustainable Development (۳rd ed.). Routledge.

Boström, M. (۲۰۱۲). A missing pillar? Challenges in theorizing and practicing social sustainability: Introduction to the special issue. Sustainability: Science, Practice and Policy, ۸(۱), ۳-۱۴.

ESCWA. (۲۰۲۰). Social and Economic Situation in the Arab Region. United Nations Economic and Social Commission for Western Asia.

Leach, M., Scoones, I., & Stirling, A. (۲۰۱۰). Dynamic Sustainabilities: Technology, Environment, Social Justice. Earthscan.

Nasiri, A., & Mafakheri, F. (۲۰۱۵). Social sustainability in developing countries: A case study of Iran. Social Indicators Research, ۱۲۹(۲), ۸۹۳-۹۱۰.

Putnam, R. D. (۲۰۰۰). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon and Schuster.

Sachs, J. D. (۲۰۱۵). The Age of Sustainable Development. Columbia University Press.

United Nations. (۲۰۱۵). Transforming our world: the ۲۰۳۰ Agenda for Sustainable Development. <https://sdgs.un.org/۲۰۳۰agenda>

United Nations Development Programme (UNDP). (۲۰۲۲). Human Development Report ۲۰۲۱/۲۰۲۲. <https://hdr.undp.org/>